

حقوق بین الملل عمومی

مقدمه

آنها مستند است از جمله مباحث علم حقوق میشود لهذا این علم از حیث موضوع نیز به دو قسم منقسم میگردد و قسم اول که راجع به قواعد متعلقه به روابط افراد ناس است حقوق خصوصی خوانده شده و فقط در داخله کشور در باره سکنه و تبعه معمول و مجری میشود و قسم دوم که مربوط به ترتیب تشکیل حکومت و روابط افراد با حکومت و روابط حکومتهای مختلفه بایکدیگر است حقوق عمومی نامیده میشود لهذا مقصود حقوق خصوصی حفظ منافع خاصه و مقصود حقوق عمومی حفظ منافع عامه افراد تشکیل دهنده هیئتهای سیاسی است .

حقوق خصوصی بر سه قسم منقسم میشود اول حقوق مدنی دوم اصول محاکمات مدنی سوم حقوق تجاری حقوق مدنی قواعدی است که مناسبات افراد اهالی يك کشور را با یکدیگر معین می کند :

اصول محاکمات مدنی عبارت از قواعدی است که باید در محاکم برای اثبات و استحصالی حق رعایت شود . حقوق تجاری قسمی از حقوق مدنی است که راجع به معاملات تجاری است .

حقوق عمومی نیز بر دو قسم منقسم می شود . اول حقوق عمومی داخلی دوم حقوق عمومی خارجی . حقوق عمومی داخلی عبارت است از قواعدی که در داخله هر کشور مجری بوده و کلیه اتباع آن کشور مطیع آن میباشند .

حقوق عمومی خارجی عبارت از قواعدی است که به روابط دول مختلفه با یکدیگر و یا روابطی که مابین اتباع دول مختلفه برقرار می شود تعلق میگیرد .

حقوق عمومی داخلی بر سه قسم منقسم است اول حقوق اساسی دوم حقوق اداری سوم حقوق جزائی .

تعریف و تقسیم - علم حقوق قواعدی را بیان میکند که بر سبب آن میتوان حق را از باطل تمیز داد . قواعدی که حق را از باطل تمیز میدهد بر دو نوع است : قواعد طبیعی و قواعد موضوعه .

قواعد طبیعی قواعدی است که طبیعت آنها را به بشر تعلیم و آرايه نموده و آنها در طبیعت انسان فطری و قابل تغییر نمیباشد .

قواعد موضوعه قواعدی است که از طرف خود بشر وضع شده و بمناسبت درجه عقل و ادراک و تربیت و تمدن و عادات و رسوم هیئتهای جامعه تغییر می نماید و مقصود از وضع آنها معلوم و محدود نمودن حقوق و تکالیف افراد است نسبت بیکدیگر :

لذا علم حقوق به حقوق طبیعی و حقوق موضوعه منقسم میشود .

حقوق خصوصی و حقوق عمومی - زندگانی نوع بشر بطور اجتماع متوقف بوجود حکومتی است که از افراد هیئت جامعه تشکیل شده باشد .

کیفیت تأسیس حکومت و حفظ حسن انتظام هیئت جامعه و روابطی که بین حکومت و افراد تولید میشود مستند به قواعدی است که علم حقوق از آن قواعد سخن میراند به علاوه نوع بشر در تحت عنوان دولت و ملت هیئتهای مختلفه تشکیل داده و این هیئتها با یکدیگر روابطی پیدا میکنند و گاه با یکدیگر در صلح و یا در جنگ و گاه در نفاق یا در واد خواهند بود و افراد آن هیئتها نیز بقصد سیاحت و تجارت به کشورهای یکدیگر رفت و آمد کرده و بدین ترتیب باب معاملات بین آنان مفتوح خواهد شد .

تمام قواعدیکه هر يك از این روابط مختلفه به

حقوق اساسی مشتمل بر قواعدی است که اصول تأسیس حکومت و روابط حکومت با افراد را معین می کند.
حقوق اداری مجموعه قواعدی است که روابط بین افراد و هیئت دولت را معین مینماید.

حقوق جزائی قسمتی از حقوق است که درجات مجازات اشخاصی را که برخلاف قواعد راجحه بحسن انتظام هیئت جامعه رفتار می کنند و قواعدی را که در ترتیب و اجرای این مجازات باید رعایت شود معین میدارد.
حقوق عمومی خارجی از لحاظ متعلق بودن به روابط دول و به معاملات افراد ملل مختلفه با یکدیگر حقوق بین المللی نیز شده است.

حقوق بین الملل منقسم می شود به حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی.
حقوق بین الملل عمومی قواعدی است که پایه روابط متقابله دول بر آن مستند است.

حقوق بین الملل خصوص مشتمل قواعدی است که در معاملات اتباع دول مختلفه با یکدیگر و یا در کشور های مختلفه نسبت به رعایای خارجه باید رعایت شود.

موضوع حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل خصوصی - موضوع حقوق بین الملل عمومی عبارتست اولاً از بیان ترتیب تأسیس و تشکیل دول ثانیاً از شرح طرق تشکیل و توسعه و انقراض دول ثالثاً از تعیین حقوق و تکالیف متقابله دول راجعاً از ذکر وسایلی که بموجب آن دول با یکدیگر روابط سیاسی و تجاری و غیره برقرار نموده و به انعقاد عهد و تسویه اختلافاتی که در نتیجه همین روابط بین آنها تولید می شود موفق میگردند.

موضوع حقوق بین الملل خصوصی روابط دول با یکدیگر نبوده بلکه روابط افراد تشکیل دهنده دول مختلفه است با یکدیگر و عبارت است اولاً از قوانین تابعیت یعنی قوانینی که تبعه داخله را از تبعه خارجه متمایز میسازد و طرق ترك تابعیت اصلی و تحصیل تابعیت دول دیگر ثانیاً از تعیین و تحدید حقوق اتباع خارجه یعنی از بیان

حقوقی که اتباع خارجه دارا میباشند و حقوقی که از استفاده از آن محروم هستند ثالثاً از تعیین قوانینی که باید در معاملات اتباع خارجه در داخله کشور و یا اتباع داخله در خارج کشور رعایت شود. علاوه حل اختلافات و مناقشات راجحه به قوانین جنائی را بعضی از علمای حقوق راجع بحقوق بین الملل خصوصی و برخی راجع به حقوق بین الملل عمومی میدانند.

از شرح فوق بخوبی معلوم می شود که حقوق بین الملل عمومی از دول و حقوق بین الملل خصوصی از افرادیکه دول را تشکیل داده اند بحث مینماید.

حقوق بین الملل موضوعه یا حقیقی و حقوق بین الملل طبیعی - حقوق بین الملل موضوعه یا حقیقی کاپه قواعدی را گویند که خواه بواسطه عاداتی که مصدق شایه تمام دول است و خواه بواسطه مندرج بودن آنها در عهد در روابط جاریه بین دول فرعی می شود.

حقوق بین الملل طبیعی عبارت از کاپه قواعدی است که مصدق علیه تمام دول نبوده ولی بنابر عقیده علمای حقوق بایستی در روابط بین دول بموقع اجرا گذارده شود زیرا آن قواعد را مقرون به عقل سلیم و موافق عین عدالت دانسته اند.

تفاوت حقوق بین الملل با حقوق داخلی - چندین تفاوت عمده و اساسی حقوق بین الملل را از حقوق داخلی متمایز میسازد. اولاً حقوق داخلی در داخله هر کشور مجرا می شود در صورتی که حقوق بین الملل فقط تعلق بروابط خارجی دول با یکدیگر دارد.

ثانیاً موضوع حقوق داخلی افراد ناس است که اجتماع آنها وسیله تشکیل دول شده است و حال آنکه موضوع حقوق بین الملل عمومی خود دول باعتبار شخصیت معنوی و حقوقی و استقلال و حکمرانی که دارا هستند میباشد.

ثالثاً در داخله هر کشور يك قوه مقننه يك قوه قضائیه و يك قوه اجرائیه وجود دارد.